

در حاشیه

اخبار و رویداد های سیاسی روز ایران

+ رسوایی بزرگ دیگر برای رژیم!

+ راهبندان سیاسی یا پایان راه سیاسی!؟

صفحه ۲

استعفای مهاجرانی،

شکست دیگر "اصلاح طلبان"

حسن رحمان پناه

اصولی انتشار روزنامه های "اصلاح طلب" و "تهاجم فرهنگی غرب" قلمداد می کرد، در حالیکه به اعتراف روزنامه ها و نشریات دولتی، در یکی دو سال گذشته بیش از ۱۵۰ روزنامه، مجله، هفته نامه و ماهنامه خواهان صدور اجازه انتشار از وزارت ارشاد شده که درخواست آنان رد شده بود. زمانیکه قوه قضائیه به دستور مستقیم خامنه ای یورش وسیعی را به مطبوعات و نشریات آغاز نمود و طی آن انتشار بیش از ۲۰ روزنامه، هفته نامه و ماهنامه وابسته به جناح "اصلاح طلب" را متوقف نمود، مهاجرانی در مقام وزیر ارشاد نه تنها به دفاع از آنها برخاست بلکه مطبوعات و روزنامه نگاران را به "چپ روی و عدم درک شرایط سیاسی" صفحه ۴

استعفای عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد اسلامی که در چند ماه گذشته بر سر زبانها و مورد بحث بود، سرانجام به استعفای او و قبول آن از طرف خاتمی منجر گردید. چندی قبل اعلام کردند که مهاجرانی استعفای خود را در ۵۰ صفحه نوشته و آن را در اختیار خاتمی گذاشته و دلایل کناره گیری خود از وزارت ارشاد را خاطرنشان ساخته است. اما از آنجا که استدلالهای وی مطابق میل خاتمی و به نفع نظام نبود، مورد قبول واقع نشد.

مدتها بود که مهاجرانی از جانب جناح موسوم به محافظه کار که ارگانهای قدرت را در اختیار دارند تحت فشار قرار گرفته بود. این جناح که از حمایت خامنه ای برخوردار است، مهاجرانی را مسبب و عامل

یادداشت سیاسی

صلاح مازوجی

وقایع چندین ماه گذشته در صحنه سیاسی ایران نباید تردیدی باقی گذاشته باشد که پروژه جامعه مدنی و اصلاحات خاتمی نمی تواند جمهوری اسلامی را از خطرسقوط برهاند. ضعف و درماندگی اصلاح طلبان حکومتی که با سکوت زبونه آنان در مقابل شیخون جناح راست به مطبوعات طرفدارشان به نمایش گذاشته شد و با بی اعتبار شدن مجلس شورای اسلامی این "معتبرترین" نهاد قانون گذاری و ستون جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی توسط فرمان مشهور خامنه ای به اوج خود رسید دیگر برای سران این جبهه حتی در میان طرفداران خودشان وجهه و اعتباری باقی نگذاشته است. اکنون نه تنها لایه های پایینی جبهه دوم خرداد بلکه سران این جبهه هم بر این باورند که پروژه اصلاحاتشان به شکست انجامیده است، همگی به این واقعیت اذعان دارند که اگر جناح راست به سازشهای مورد نظر آنها تن ندهد و همچنان بر انحصار قدرت در دست خود پای فشارد سرنگونی رژیم اجتناب ناپذیر است. بهار اصلاح طلبان حکومتی دیگر بسر رسیده است، اینها دیگر نمی توانند با جا زدن کسانی امثال اشکوری و گنجی که زمانی در تمام جنایات و پرونده سازیهای این رژیم دست داشتند همچون سمبل مقاومت و آزادیخواهی، موقعیت از دست رفته خود را باز یابند. خاتمی دیگر رای ۲۰ میلیونی و حمایت وسیع زنان و جوانان را بخواب هم نخواهد دید و اگر بخواید در پست ریاست جمهوری باقی بماند باید او هم بر نفرت و بیزاری توده های مردم از رژیم اسلامی تکیه زند.

آنچه پروژه خاتمی را به حاشیه راند گسترش و تعمیق مبارزات توده های مردم در سه، چهار سال گذشته و هراس دوم خردادی ها از این اعتراضات بود، کارگران و توده های مردم بزودی ماهیت سیاستهای دولت خاتمی را دریافتند، آنان در وجود دولت خاتمی بیشتر بنای یادبود زنده سیاستهای رفسنجانی را دیدند، تا نیرویی برای حفاظت از منافع خودشان. کارگران به مرور دریافتند که دولت خاتمی چیزی جز آلترناتیو بورژوازی ایران برای حفظ و تداوم حاکمیت سرمایه داران نیست. اما حال حتی جریانات اپوزیسیون بورژوازی هم در وجود خاتمی آلترناتیو مورد نظر خود را نمی یابند، آنها در فکرند که چگونه جنبش کارگران و توده های مردم را از سر راه بردارند و خود بر جایگاه حاکمان فعلی تکیه زنند.

در شرایط فعلی با به حاشیه رفتن پروژه خاتمی زمینه برای طرح آلترناتیوهای دیگر و از جمله آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی بیشتر آماده می شود. اما شکل گیری و پیشروی آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی امر خود کارگران و کمونیستهایی است که مستقل از منافع گروهی و سازمانی به امر طبقه کارگر و حکومت کارگری می اندیشند. چنین آلترناتیوی اساسا باید در داخل مرزهای ایران شکل بگیرد، کارگران ایران بدون برپائی تشکلهای مستقل توده ای خود در دل مبارزه و رودرویی با بورژوازی و متشکل شدن در حزب سیاسی خود نه تنها قادر نیستند به انقلاب کارگری دست بزنند بلکه حتی نمی توانند اصلاحات موثری در زندگی اقتصادی و اجتماعی خود ایجاد کنند. پروسه آمادگی برای انقلاب سوسیالیستی از دل سازمانیابی طبقه کارگر می گذرد. نباید به این امید که در دوران بحرانهای انقلابی سازمانیابی طبقه کارگر سرعت گسترش می یابد از پرداختن به این امر در شرایط کنونی کوتاهی کرد، هرگونه بی توجهی به این امر در عمل به این منجر می شود که حزب

صفحه ۲

اختصار
یا
تحریف

صفحه ۶

بحران کاندیداتوری
در انتخابات

ریاست جمهوری ایران

صفحه ۵

مراسم

روز کومه له
در کشورهای
سوئد، آلمان،
کانادا، استرالیا
و نروژ برگزار
می شود.

روز کومه له

روز تجدید عهد با آرمان رهایی مردم زحمتکش
از ستم و استثمار سرمایه داری و نفو هرگونه تبعیض
و ستم ملی، مذهبی و جنسی،
روز تجدید پیمان با هزاران یار عزیز و جانباخته
گرامی باد!



ویا سازمان را بجای طبقه کارگر آترناتیو کسب قدرت سیاسی قرار داد. گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران وجود دارد، این گرایش هر چند پراکنده و نامنسجم است اما حضور آنان در میان کارگران عینیت دارد، مبارزات کارگران حول خواسته‌هایشان در چند ماه گذشته باز بر این واقعیت تاکید می کند، باید دید که چگونه می توان بر این پراکندگی و عدم انسجام فائق آمد و با اتکا به آن، زمینه پیشروی جنبش کارگری را فراهم کرد. جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را میکند تا از طریق حزب کار اسلامی و دیگر نهادها و عوامل وابسته بخود حضور سیاستهای بورژوازی در درون جنبش کارگری را تامین کند و حق ابراز وجود مستقل طبقه کارگر را سلب نماید. در مقابل این تلاشهای بورژوازی ایران ما چگونه می توانیم گرایش سوسیالیستی را در دل مبارزات جاری تقویت کنیم و زمینه را برای سازمانیابی و پیشروی جنبش کارگری فراهم آوریم؟ اکنون بخشی از فعالین ورهبران جنبش کارگری ایران در خارج بسر میبرند، از طرف دیگر نیرو هایی هستند که جنبش کارگری را بستر اصلی فعالیت خود قرار داده اند، لازم است این نیروها دور هم گرد آیند و بر سر چگونگی تقویت گرایش سوسیالیستی در داخل، و وظایفی که در این رابطه بر دوش فعالین کمونیست قرار می گیرد وارد دیالوگ شوند. باید تمام امکانات را در خدمت این امر بکار گرفت، بدون شک اگر منافع محدود گروهی به کنار گذاشته شود زمینه اتحاد عمل و کار مشترک وجود دارد. تنها باگام نهادن و حرکت در این مسیر است که می توان به مبارزات کارگری در داخل ربط پیدا کرد.

جهان امروز

سیاسی، خبری

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

سرردبیر:

هلمت احمدیان

در حاشیه

اخبار و رویداد های سیاسی روز ایران

هلمت احمدیان

رسوایی بزرگ دیگر برای رژیم!

بعد از دو سال - که با تلاشهای بسیار برای پوشاندن ابعاد جنایات موسوم به قتل‌های زنجیره ای همراه بود-، بالاخره دادگاه رسیدگی به آن از سوم اسفند برابر ۲۳ دسامبر بصورت غیر علنی تشکیل شد.

عدم مشروعیت، اهداف و احکام از قبل برنامه ریزی شده این بیدادگاه، که خود را حتی در سطح عرف ساده و ظاهری حقوقی هم مقید ندید، برای همه محرز است و امتناع خانواده‌گان و بستگان قربانیان قتل‌ها برای شرکت در جلسات آن را رسواتر کرد.

هدف این دادگاه، ایجاد مصونیت برای آمرین قتلها و محدود کردن متهمین به چند مهره درجه دوم رژیم بود، که برای رسیدن به آن اعترافات متهم اصلی از پرونده حذف گردید، افشاکنندگان بخشی از توطئه‌های مافیایی رژیم و این جنایات به زندان انداخته شدند، برای «اظهار نظریهای غیر مسئولانه» در آستانه دادگاه قرار تنبیهی صادر کردند، پرونده ها را نه تنها در اختیار وکلای متهمین قرار ندادند، بلکه ناصر زرافشان وکیل مختاری و پوینده را به زندان افکندند، قتل‌ها را تنها به ۴ مورد آخری و «خودسری» چند مامور اطلاعاتی محدود کردند و اجازه ندادند زنجیره های طولانی تر قتل و جنایات و ترور رژیم وارد پرونده شود و ... سئوالی که در حول و حوش این نمایش وقیحانه دادگاهی در اوضاع و احوال کنونی پیش میآید، این است که رژیمی که فتوای خمینی «هر کس در هر مرحله بر سر نفاق نباشد حکمش اعدام است، سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید» را پشت سر دارد (درنامه ای برای قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷)، رژیمی که به هر بهانه‌ای، نه پشت پرده، بلکه علناً و بارها از زبان عالی ترین مراجع دینی و انتظامی اعلام کرده که

زبانها را می برد و جمجمه را زیر پتک می گیرد، اساسا چه احتیاجی به حتی تشریفات برگزاری این نمایش «دادخواهی» دارد؟ و یا به عبارت دیگر، در روند اجرای پروژه سرکوبی که آنها در چند ماه اخیر راه انداخته‌اند و حتی به یاران قدیمییشان هم رحم نمی کنند، اساسا چه احتیاجی به هر نوع «دلجویی» دارند؟

امر محرز برای همگان این بود که «دادخواهی» که خود جانیان و سازمانده این جنایت هستند و بر مسند قضاوت نشسته اند و این دادگاه را تنها برای سر و ته هم آوردن موضوع می‌خواهند که در بهترین حالت خود تنها به گوشمالی چند مامور بخت برگشته اطلاعاتی منجر می‌شود.

همچنین اهداف اصلی رژیم از برگزاری این نمایش وقیحانه عبارت از مصونیت آمرین و مسببین اصلی و فرو نشانند خشم و نفرت توده های مردم از این جنایات شنیع است. و لیکن پیام دو جانبه دیگری نیز در برگزاری این دادگاه مستتر است که می‌توان آن را هم، همچون حلقه ای از پروژه سرکوبگری آنها در دور اخیر دید.

پیام به «خودی‌ها» این است که این ظرفیت حتی در «هچل» هم کماکان موجود است که جنایات کرد و با اتکا به قوه قضائیه به ریش مدعیون خندید. پیام به «غیر خودی» ها هم که با شمع های کم سوز و کم نور قصد روشن کردن «تاریکخانه اشباح» را دارند اینکه بهتر است آنها مواظب دست خود باشند تا .. فروریختن این تاریکخانه جهل و جنایت و دادخواهی واقعی از جنایتکاران رژیم اسلامی، امر توده‌های مردم به ستوه آمده و حق طلب است.

راهبندان سیاسی

یا پایان راه سیاسی!؟

عصر ما، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در شماره ۱۹۲ بتاریخ

۲۶ آذر مطلبی تحت عنوان «انسداد سیاسی یا راهبندان سیاسی» انتشار داده که تعمقی را از این جهت می‌طلبد که آئینه ای است از موقعیت و کارکرد و اهداف اتوپیک «اصلاح‌طلبان» هنوز امیدوار حکومتی. نگارنده مطلب، معترض به واژه انسداد سیاسی و بکار بردن آن برای توضیح وضع و حال «اصلاح طلبی» دوم خرداد است و آن را ناشی از سهل انگاری و عدم دقت و همچنین بزرگنمایی جناح محافظه کار در رایج کردن این واژه، به هدف مایوس کردن جبهه دوم خرداد می داند تا در این رهگذر آنها را مجبور به گردن نهادن به حکم محافظه کاران بنماید.

مطلب عنوان می کند که انسداد سیاسی را هنگامی می توان پذیرفت که: «... ظرفیت اصلاح پذیری و رفورمالیته نظام سیاسی به پایان رسیده و همه مجاری فعالیت قانونی آرام و درون سیستمی بسته و مسدود گشته باشد». در حالیکه به عقیده مقاله نویس اوضاع اینگونه نیست و «... علیرغم سنگ اندازنها، مانع تراشی ها و راهبندانهای سیاسی که در مسیر اصلاحات ایجاد شده است. ظرفیت های جنبش اصلاح طلبی چه در حوزه نهادی (دولت - مجلس) و چه در حوزه اجتماعی (مردم - نخبگان) هنوز قابلیت‌های فراوانی را برای اصلاح طلبان .. باقی گذاشته است».

جملات بالا اگر چه ظاهراً عدم پذیرش شکست سیاستهای «اصلاح پذیری» آنها در مقابل جناح مقابل را به شکل صورت خود را با سیلی سرخ نگه داشتن دارد و لیکن در همین حد خود هم، اقرار به شکست است. پروژه گسترده حذف و بی خاصیت کردن همه نهادها و ارگانهای مربوط به دوم خردادیها از بعد از انتخابات مجلس ششم را، این آقایان سنگ اندازی و مانع تراشی و راهبندان سیاسی نام میبرند و هنوز فکر میکنند که آنها در حوزه های نهادی و اجتماعی قابلیت‌های فراوانی برای اصلاح دارند.

اگر منظور نویسنده ظرفیتهای بیشتری برای عقب نشینی و هم سقف کردن «اصلاح طلبی» مورد نظرشان با





«اصلاح طلبی» مورد ادعای جناح محافظه کار است. میشود آن را بعنوان تحلیلی عینی از حال و وضع آنها به رسمیت شناخت. ولی دولتی که رئیسش خود را بی اختیار می نامد و توان دفاع از مهمترین وزرایش را ندارد، مجلسی که توان تصویب و به کرسی نشاندن بند و تبصره ای اصلاحی بر قانون مطبوعات را پیدا نمی کند، «نخبگانی» که کارشان به دادگاه و محاکمه و زندان کشیده شده و... بر خلاف ادعای مقاله نویس «عصرما» نمایانگر ظرفیت بیشتری برای تغییر و یا مجالی برای پیشروی در این کاتگوری، یعنی «اصلاح طلبی دوم خردادی» را نشان نمی دهند.

در ادامه همان مطلب هنگامی که نویسنده میخواهد توضیح تاکتیکیهای این جبهه را بدهد منظور خود را از ظرفیتهای مورد نظر اصلاح طلبانه اش که بقول خودش هم در مرزبندی با انفعال و انزوا و هم در مرزبندی با افراط و آنارشسیم براندازانه است صریحتر بیان می کند و نشان می دهد زمانیکه که نیاز به تغییر و اصلاح و دگرگونی از طرف مردم در دستور قرار میگیرد چه باید کرد: «هیچ نیروی اصلاح طلبی علیه خود دست به اعتصاب نمی زند و غضنفروار توپ را وارد تیم خودی نمی کند. در شرایطی که قوه مجریه و نهاد دولت در اختیار جبهه اصلاح طلبی است و دانشگاهها و یا کارخانه ها و مراکز کارگری از سوی مدیریت وابسته به

جبهه دوم خرداد و کابینه اصلاح طلبان اداره میشود. تجویز روش اعتصابات بیش و پیش از آنکه نیروی ضد اصلاحات را زیر فشار قرار دهد. دولت اصلاح طلب را با مشکلات و موانع مواجه می کند». مطالب هوچیگرانه و سفسطه‌های اینگونه ای این جنابان که در این اواخر در ویتترین سیمناها و نشریاتشان در قالب بحث هایی همچون «سیاست آرامش فعال»، «مقاومت مدنی»، «گرانیکه اصلاحات»، «راهبندان سیاسی» و غیره عرضه می گردد، شاید تنها بازار مصرف محدودی در بین «نخبگان» آنها داشته باشد. این افاضات، پوشش و توجیهاات بی محتوایی بیش نیستند که بیشتر و

بیشتر پایان خطی که عمر و ارزش مصرفش تمام شده را نشان می دهند. گریز از انسداد سیاسی برای اصلاح طلبان دوم خردادی هر روز بیشتر با پیدا کردن نقاط اشتراک آنها با محافظه کاران مقدور خواهد گشت. تجدید آرایش گرایشات درون هئیت حاکمه در مقابل مردم، راه زیادی برای مانور این «بختک» بخت برگشته باقی نگذاشته است. روند تجربه و افول دوم خردادها با تقابل صریحتر آنها با مبارزات حق طلبانه مردم، کارگران، دانشجویان و ... توأم است و در مقابل، ایستادن هر روز بیشتر آنها در برابر مبارزات مستقل مردم و تفتیح مبارزات مستقل آنها، همانگونه که در نقل قول بالا ملاحظه گردید.

کوشه‌هایی آماری از اعتراضات کارگری



* ۵ آذر: تجمع اعتراضی ۲۰۰ تن از کارگران شرکت جامکو در مقابل دفتر ریاست جمهوری در اعتراض به دستمزدهای معوقه‌شان از سال ۹۸.

* ۸ آذر: تجمع اعتراضی کارگران فوکا صنعت همدان در برابر استانداری در اعتراض به عمل نکردن مدیر عامل شرکت به وعده‌های خود و منجمله عدم پرداخت دو ماه حقوق عقب افتاده کارگران.

* تجمع اعتراضی کارگران شادان پور در محل خانه کارگر تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه‌شان.

* ۱۲ آذر: تظاهرات ۳۰۰ نفر از کارگران نیشابوری در مقابل بیمارستان این شهر در اعتراض به واگذاری بیمارستان به وزارت بهداشت.

* ۱۲ آذر: تجمع اعتراضی هزاران کارگر بیکار شده شهرداری در مقابل ساختمان شورای شهر در اعتراض به حقوق دریافت نشده‌شان.

* ۱۵ تا ۲۴ آذر: اعتصاب ۲۰۰۰ تن از کارگران ماشین سازی تبریز در اعتراض به روند خصوصی سازی این واحد بزرگ تولیدی.

* ۱۹ آذر: تظاهرات کارگران شرکت جواهریان در خیابان رجائی به مدت ۳ ساعت در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان و عدم پرداخت حقوق‌های معوقه شان.

* ۲۲ آذر: بستن جاده مخصوص کرج از طرف ۲۵۰ کارگر شرکت علالدین در اعتراض به اوضاع نابسامان این شرکت و عدم پرداخت حقوق حقه شان. از ۱۹ آبان تا این تاریخ این سومین بار است که کارگران علالدین اقدام به بستن جاده مخصوص کرج می کنند.

* نامه اعتراضی کارگران کارخانه ایران الکتریک رشت در رابطه با عدم پرداخت سود سهامشان.

* تجمع اعتراضی کارگران شرکت آرد فردوس ارومیه در اعتراض به اخراج کارگران.

* تجمع اعتراضی کارگران بیمارستان امین صادقیه در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه گذشته خود.

حمله نیروهای انتظامی به کارگران کارخانه "پوش‌پر" در سنندج محکوم است

کارگران کارخانه پوش پر سنندج که ۱۸ نفر میباشند، مدت ۶ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. آنها دیروز برای دریافت حقوق و مزایای خود در جلو دفتر کارخانه تجمع و خواهان پرداخت حقوق‌های معوقه خود می‌شوند. کارفرما که وابسته به بنیاد مستضعفان است بجای پرداخت حقوق و مزایای کارگران، نیروهای انتظامی را به محل فراخوانده و کارگران را مورد حمله قرار می‌دهند. در نتیجه این حمله جنایتکارانه ۲ نفر از کارگران زخمی شده اند.

ما ضمن محکوم کردن حمله نیروهای انتظامی به کارگران، از خواست آنها حمایت می‌کنیم. در عین حال همه سازمانها و تشکلهای کارگری را دعوت می‌کنیم که از مبارزات کارگران شهر سنندج که مدتهاست در شرکتها و کارخانجات مختلف منجمله شهرداری، جهاد تعاون و جهاد نصر در جریان است حمایت کنند.

دفتر نمایندگی کومهله در خارج کشور
۳۱ دسامبر ۲۰۰۰



- «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می‌کند که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد.
- استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.
- مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.
- مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه آ ۴ با سایز ۱۶ می باشد.

از صفحه ۱
کشور متهم کرد. در زمان وزارت او نه تنها یک روزنامه و نشریه مستقل اجازه انتشار نیافت، بلکه در مقابل توقف انتشار نشریات اصلی وابسته به جناح خودش، یعنی جناح "اصلاح طلب" نیز سکوت اختیار نمود. در واقع مهاجرانی نیز همانند رئیس جمهور، بی اختیار و بی کفایت بود. هر چند کسانی در تلاشند مهاجرانی را به عنوان مدافع و پشتیبان نشریات وابسته به جناح "اصلاح طلب" معرفی کنند، اما در واقع چنین نبود و او نه تنها برای جلوگیری از توقف انتشار مطبوعات کاری انجام نداد بلکه حاضر نبود در مقابل بریدن زبان، شکستن قلم و تعطیل نشریات و دستگیری روزنامه نگاران همفکرش نیز به عنوان اعتراض، استعفاء بدهد.

مدت ها بود از مهاجرانی در وزارت ارشاد سلب قدرت شده و بی اختیار بود و حالت دکوری بیش نداشت. البته این امر تنها مختص مهاجرانی نبود و نیست، بلکه کلیه وزیران و کاربدستانی که کوچکترین تمایز فکری و سیاسی با سایر همفکران مسلمان خود در جناح قدرتمند مقابل داشته باشند، به چنین سرنوشتی دچار می شوند. طبیعی است در نظامی که رئیس جمهور علناً اعلام می دارد که "بی اختیار است و نمی تواند مانع نقض قانون اساسی گردد"، وزیرانش هم نمی توانند تافته جدا بافته باشند.

آنچه واضح است این است که مهاجرانی از مدت ها پیش تحت فشار جناح محافظه کار بوده تا استعفاء داده و کناره گیری نماید. اما اختلاف این جناح با وزیر ارشاد بطور واقعی نه بر سر اختلاف در دفاع از آزادی اندیشه و بیان که به معنای آزادی مخالفین سیاسی و عقیدتی خود است، بلکه اساساً بر سر تعبیر از اسلام و چگونگی کاربرد آن برای اداره جامعه در عرصه فرهنگ بود. مهاجرانی و جناح موسوم به "اصلاح طلب" بر این باورند که با کاهش فشار بر نویسندگان و نشریات می تواند بر اندیشه و قلم آنها کنترل بیشتری داشته باشند و در عین حال با این روش می توانند رُست آزادی اندیشه و قلم و مطبوعات در رژیم اسلامی را بگیرند و به مردم

استعفاء مهاجرانی، شکست دیگر "اصلاح طلبان"

نشان دهند که در اسلام آزادی عقیده و بیان وجود دارد و آنها طرفدار چنین آزادی هستند، که جناح "محافظه کار" مانع است. از طرفی دیگر جناح رقیب مدت هاست بر این باور است که کاهش هر میزان از فشار و نشان دادن انعطاف، منجر به اعتراض بیشتر مردم و نتیجتاً شیرازه امور از کنترل آنها خارج خواهد شد. آنها بقای رژیم را در روشی می دانند که ۲۲ سال است درپیش گرفته اند، آن هم اختناق و سرکوب است.

اما اعتراض توده های مردم ستم دیده ایران و به میدان آمدن آنها خواب و خیال سران رژیم را برهم زده و اختلاف و کشمکش جناح های حکومت را تشدید نموده است.

مبارزه هرروزه مردم تشنه آزادی و رهایی، روشنفکران و دانشجویان آزادی خواه، کارگران و زنان حق طلب که هر روز شدیدتر و گسترده تر می گردد و صدای بلند و رسایشان دیوار سانسور و خفقان را درهم می ریزد و چهارچوب های قانون را می شکند، دلیل اصلی استعفای مهاجرانی است که قدرت مقابله با آن را نداشت. دلیل دیگر فشار جناح رقیب برای ازمیدان به در کردن مهاجرانی این بود که به اشتباه او را عامل فضای نسبتاً باز سیاسی می دانستند. در این نبرد قدرت خاتمی به خاطر حفظ دل "رهبر" نتوانست و نخواست از وزیر به اصطلاح چپ و مقاومش در برابر جناح رقیب حمایت کند. این ناتوانی یک شکست و ناکامی دیگر برای خاتمی و جناح "اصلاح طلب" حامی حکومت مترزلش را به ثبوت رساند و پیروزی دیگری برای محافظه کاران به حساب می آید. فشار محافظه کاران برای استعفای مهاجرانی بی ارتباط با انتخابات رئیس جمهوری در ۶ ماه آینده نیست و ضربه سنگینی برای اصلاح طلبان

محسوب می شود. جناح "راست" با این ضربه چهره های برجسته "اصلاح طلب" را از دور خارج کرده است. روزنامه های اصلاح طلب توقیف شده اند. نوری در زندان است و مغز متفکر "اصلاحات"، "سعید حجاریان" بر صندلی چرخ دار قرار دارد. گنجی و باقی که پرونده قتل های زنجیره ای را پیگیری می کردند خود در دام سازمان دهندگان این قتل ها اسیر و با متهم کردن آنها به عنوان "محابر" زمزمه قتل آنها، البته نه به شکل مخفی و زنجیره ای بلکه به صورت علنی به گوش می رسد. مهاجرانی استعفا داد و پرونده مالی او که به سوء استفاده از سود سپرده حساب های وزارتخانه به صورت غیرمجاز متهم است شمشیر داموکلس است که بر فرق او در حرکت است تا اگر حداقل قبل از انتخابات رئیس جمهوری برای جناح رقیب مزاحمت ایجاد کند به سرنوشت کرباسچی دچار شود. همه این موارد اهدایی رئیس جمهور به جناح محافظه کار و شخص خامنه ای است که به معنای قربانی کردن "اصلاحات" در بارگاه آنها و بن بست و پایان خط اصلاح طلبان می باشد. در حال "اصلاح طلبان" فتیله ها را کاملاً پایین کشیده اند و چراغ عمر آنها در حال خاموش شدن است.

اینکه در زمان وزارت مهاجرانی تعدادی روزنامه و نشریه منتشر شد و فضای آزادتری نسبت به گذشته در عرصه های سیاسی و اجتماعی پدید آمد، نه حاصل لطف و مرحمت مهاجرانی و خاتمی و نه بیانگر آزادی خواهی آنان، بلکه دقیقاً دستاورد مبارزه همه روزه و قدم به قدم مردم تشنه آزادی و رهایی است. مبارزه روزمره توده های مردم آزادی خواه، آرام آرام به پیش می رود و پرده سیاه دیکتاتوری و خفقان نظام جمهوری اسلامی را کنار می زند. دیوار سانسور رژیم ترک برداشته و می رود تا به یکباره درهم ریزد. آزادی عقیده و بیان، آزادی قلم و مطبوعات، حق مسلم و طبیعی هر انسانی است و مبارزه برای به دست آوردن آن بخشی از مبارزه برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی است.



پیوستن

گروهی دیگر

از زنان و مردان

انقلابی

به صفوف نیروی

پیشمرگ کومه له

روز جمعه ۲۵ آذر ماه برابر ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰، گروهی دیگر از داوطلبین نیروی پیشمرگ کومه له بعد از طی کردن موفقیت آمیز دوره سیاسی - نظامی، طی مراسم ویژه ای به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوستند.

در این مراسم که در آموزشگاه کومه له برگزار گردید، جمع وسیعی از دوستان و هواداران و پیشمرگان شرکت داشتند.

در این مراسم علاوه بر پیامهای تبریک و شعر و سرودهای انقلابی، سخنانی از طرف رحمان نجات مسئول آموزشگاه کومه له ایراد گردید.

رحمان نجات در سخنان خود، ضمن گزارشی از دوره آموزشی، این گروه را بمناسبت همزمانی آن با سالگرد جانباختن دکتر جعفر شفیع به یاد او نامگذاری نمود.

او سپس در ادامه سخنانش به تفصیل به وضعیت سیاسی کنونی ایران و کردستان پرداخته و سیاستها و وظایف و نقش کومه له را در این رابطه توضیح داد.

ما پیوستن این عزیزان را به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له تبریک می گوئیم.

جهان امروز

هزینه انتشار جهان امروز بعهد اسپانسورهای نشریه و کمک مالی دوستان و خوانندگان آن است. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه است.

می توانید با قید اینکه چند شماره نشریه را می خواهید آبونمان شوید، مبلغ معادل هزینه پستی را به حساب زیر واریز کرده و قبض پرداخت آن را به آدرس جهان امروز ارسال دارید. حساب بانکی جهان امروز

S-E Banken
F-S
53682990054

بحران کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری ایران

رشید رزاقی

شورای نگهبان اعلام کرده است: «انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری روز جمعه ۱۸ خرداد ماه سال ۱۳۸۰ بر گزار خواهد شد». این خبر در حالی منتشر میشود که بر خلاف دوره های قبل تاکنون هیچیک از گروهها و جناحهای حکومتی نامزد مشخصی را بطور رسمی و یا ضمنی معرفی نکرده اند.

آنچه تاکنون در صحنه سیاست و رقابت بین دو جناح جمهوری اسلامی گذشته است نشان میدهد که جناح راست زیر فشار اجتماعی و ضربه دوم خرداد ۷۶ که از جانب توده های ناراضی و معترض به کلیت نظام دریافت داشت، هنوز قد راست نکرده و اعتماد به نفس خود را باز نیافته است، تا از قبل به آماده سازی و تمهید ملزومات لازم در سطح اجتماعی برای موفقیت کاندیدای مورد نظر خود بنماید. در این دوره از مطرح کردن شخص خاص و بزرگ نمائی و شخصیت تراشی نامزد خبری نیست و سنگینی یاس از عدم پیروزی برپیکرش مستولی است.

جناح موسوم به "دوم خرداد" که از قبل و برآمد یک ناراضیاتی عمومی و فشار اجتماعی قدرت اجرایی و آنگاه قوه مقننه را از آن خود ساخت؛ ناتوان در اجرای وعده ها، عدم برائی و کارآئی خود را در انتظار توده های متردد و دو دل بروز داد و آن جایگاهی را که در بین خوش باوران بدست آورده بود از دست داد. جریانات دانشجویی هر روز بیشتر از جریانات دوم خردادی فاصله گرفته و بسوی "جریان سوم" تمایل پیدا کردند. توده های کارگر و زحمتکش ایرانی نیز که خواهان دگرگونی ریشه ای در موقعیت اجتماعی و سیستم حکومت سیاسی بمنظور استقرار مناسباتی هستند که ارزش انسانی در جایگاه

خود قرار گیرد و به استثمار و تبعیض طبقاتی پایان داده شود، هر چه بیشتر از «اصلاح طلبی» بالاترینها که پاسخگوی مشکلات اجتماعی و طبقاتی آنها نیست فاصله گرفته اند و به اصلاحات از پائین و به نیروی خود باور پیدا کرده اند. اصلاحاتی که برای پائین ترین اقشار اجتماعی قابل لمس، دگرگون بخش و تمامی وجوه آزادیهای شهروندی متناسب با جوامع پیش رفته امروزی را در بر گیرد. آنچه در این مدت گذشت معجونی از فریب و توسل به شیوه و روشهایی بود تا که توده های معترض و ناراضی را از دست زدن به عمل مستقیم و براندازانه که اراده و عزم به انجام آن را دارند دور نگاه دارد. موعظه های خاتمی در باب پرهیز از خشونت و تسامح و نیز قصیده سرائی مطبوعات دوم خردادها در نظم پایان دوره توسل به خشونت برای توده های رنج دیده که بمعنای منحصر بفرد بودن سرکوب و خشونت برای حکومت خودکامه است؛ دقیقاً در جهت به تعویق انداختن فعل و عمل مستقیم توده ای عمل نمود.

در چنین شرایطی این جناح نیز که مدتی خود را بر مرکب حمایت ۲۰ میلیونی سوار میدید؛ هم اکنون متردد و متزلزل است که آب رفته از جوی را چگونه باز گرداند! امری که غیر ممکن است.

بهمین لحاظ کلیت نظام با یک بحران کاندیداتوری روبروست و هنوز موفق به کشف فرمولی برای کشاندن مردم بیای صندوقهای رای نشده اند. شخصیتها بی آبروتر و بی وزن تر از گذشته هستند. از رفسنجانی مقتدر ترینشان گرفته تا برسد به ریزه رانت خورهای پائینی!

جناح راست در دوران ریاست جمهوری خاتمی مشکلات اقتصادی مردم را که ریشه در سیاست و عملکرد نظام بورژوا اسلامی ایران دارد به خاتمی منتسب مینمود که گویا وی به عرصه اقتصادی کم بها میدهد و توجه را بعرضه سیاسی معطوف میدارد! تا آنرا در انتخابات دور آینده ریاست جمهوری، مانند ابزار مبارزه انتخاباتی علیه رقیب بدست گیرد. این شعار را هر کسی تحت نام هر جناحی بدست

گیرد فاقد برائی و کم اثر درتجمع نیرو خواهد بود. زیرا شیرازه و بنیان اقتصادی رژیم بر بستری از ناروشنیهای سیاسی آنچنان گسیخته است که امکان هر نوع جذابیت را از شعار مزبور سلب کرده است و کسی نسبت به سرانجام اصلاحات اقتصادی و بهبود وضع زندگی مردم خوشبین و حتی متوهم نیست. کما اینکه خاتمی در این مورد نشانهائی بروز داده و علیرغم تصمیمات و خواست قبلی به افزایش یارانه کالاهای اساسی در بودجه سال ۸۰ پرداخته است و رقم آنرا از ۷۹۵ میلیارد تومان به ۱۰۲۰ میلیارد تومان افزایش داده است.

مردم در قبال طرفندهای نظام اسلامی آزمونهای با ارزشی کسب کرده اند، همگان آگاهند که خیلی از پیشرویهائی که طی سالیان مبارزه علیه جمهوری اسلامی بدست آمد و تثبیت شد؛ از جمله مطبوعات در زمان خاتمی محدود شد! و خود او و مجلس پشتیبانش در راستای نیت «رهبر» تسلیم کننده این دست آوردها بیای ولی فقیه بوده اند. توده های کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان بدرستی واقفند اگر در انتخابات شعار اصلاحات اقتصادی و وعده بهبود وضعیت زندگی مردم بدست گرفته شود برنده انتخابات در عمل با بی اعتنائی و مسئولیت ناپذیری از کنار آن خواهد گذشت. همانگونه که خاتمی از کنار اصلاحات سیاسی گذشت. مردم میدانند که ریشه فساد، رشوه خوری، بیگماری بنیادهای متعدد، دستمزد غیر مکیفی و استثمار و گرانی که حد و مرز نمی شناسد، نه با وعده امثال خاتمی و نه با تغییر ساختار اقتصادی و یا تفویض نظام اسلامی به یک گروه بورژوا - ملی خشکانده نمیشود و وضعیت اقتصادی مردم کماکان بر این پاشنه خواهد چرخید. اگر بناست تغییری اساسی بوجود آید تنها به تغییر شیوه تولید و بدیل سوسیالیستی آن منوط است!

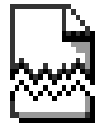
بخشهای مربوط به فقدان ابزار در دست ریاست جمهوری برای جلوگیری از نقض قانون اساسی و کشیدن پای او به دیوان عالی کشور همه در خدمت بزک کردن چهره و شمایل بکار گرفته میشود، تا در فضای گرد

آلود فعلی - با مظلومیت نمائی - چهره خاتمی را معصوم جلوه دهند و او بتواند با سیمای حق بجانب مجدداً از دوش ۲۰ میلیونی صعود کند و سرانجام آنها را برای ۴ سال دیگر ریشخند کند و قدوسیت نظام الهی - اسلامی را تلقین کرده و "مردم سالاری" اسلامی را، آنها را برای "خودی" های نظام و نه توده های محروم در شیپور اصلاحات بدمد. و این چیزی خواهد شد بمصداق: تاریخ دو بار تکرار خواهد شد، یکبار تراژدی و بار دوم مضحکه خواهد بود!

پاره ای از گروههای سیاسی و آنهاست که به روند اصلاحات از میان قدرت حکومتی خوشبین بودند و همچنین آن گروههایی که تقویت یک جناح را عامل بروز تعمیق شکاف در میان جناحهای رژیم قلمداد میکردند و گسترش مبارزه مردم را از آن استنتاج میکردند به ضعف ادله و انحرافات تحلیلی خود پی برده اند و جانب احتیاط را بر گزیده اند و انترژی شان برای تبلیغات انتخاباتی کاهش خواهد یافت. تحریم انتخابات از جانب نیروهای مترقی و حزب کمونیست همچنان قابل دفاع و صحت عدم جانبداری از هر فرد و گروه وابسته به این رژیم باثبات رسیده است!

واهمه کابوس مهر دفترچه هویت زدوه شده است! مجموعه این آزمونها و تجربه ها از گرایش مردم بشرکت در انتخابات خواهد کاست. عوامل توهم آفرین کارائی و نفوذپذیری خود را از دست داده است و حمایت و تبلیغات رسانه های غربی و کوشش نهانی کشور های سرمایه داری برای برجسته کردن شخصی خاص، شگردی شناخته شده است. مردم میدانند عملکرد خاتمی در تشنج زدائی و رفع انزوا از جمهوری اسلامی و فعال کردن سیاست خارجی ربطی به منافع مردم نداشت، بهمین دلایل خاتمی فاقد آن صلابت و استحکام حضور در صحنه انتخاباتی دوره پیش است و اگر خود را کاندید نکند از نظر شخصیتی وزین تر خواهد ماند تا آنکه در انتخابات دور هشتم مجدداً به پیروزی برسد بدون آنکه از صف ۲۰ میلیونی خبری باشد.





اختصار یا تحریف

محمد نبوی

"تیشک" نشریه «سیاسی، اقتصادی و تاریخی ارگان کمیسیون آموزش و تحقیق حزب دمکرات کردستان ایران» در شماره ۷ خود در مطلبی تحت عنوان "چند تشکیلات جدید در کردستان ایران" به درج تاریخچه کوتاهی از "کومهله" پرداخته است.

واضح است که تاریخ مختصری از کومهله، حتی اگر این تاریخ توسط فعالین این سازمان نوشته شود خالی از ایراد و اشکال نیست، چون اختصار آگاهانه یا ناآگاهانه موجب حذف پاره‌ای از وقایع می‌شود و نادیده گرفتن آن رویدادها گاهی به استنتاجات متفاوتی در خواننده منجر می‌شود. من اصل را بر حسن نیت نویسنده این ستون در مورد تاریخچه کومهله قرار می‌دهم و فرض بر این است که از سر کم دقتی بخشی از حقایق را که می‌شد در این مختصر گنجانند فراموش کرده است و ناخواسته تحریفی در تاریخ به وقوع پیوسته که یادآوری آن ضروری است.

۱- نویسنده در پاراگرافی از نوشته به شرکت کومهله و حزب دمکرات در اولین انتخابات مجلس شورا اشاره می‌کند که در سال ۱۳۵۸ برگزار شد و نتیجه انتخابات در شهرهای بوکان، سقز، بانه، سردشت و پیرانشهر را ملاک زورآزمایی کومهله و حزب دمکرات قرار داده و نتیجه می‌گیرد که کومهله بعد از حزب دمکرات صاحب دومین رأی در این مناطق گردید.

در این نوشته عمداً از سرنوشت انتخابات در مهاباد که اصلی‌ترین پایگاه حزب دمکرات در این انتخابات

بود، سخنی به میان نمی‌آید و در عوض جنوب کردستان یعنی شهرهای سنندج، مریوان و کامیاران نیز که پرجمعیت‌ترین بخش کردستان است نادیده گرفته می‌شود.

مطرح نکردن نتیجه انتخابات مهاباد در این نوشته حتماً به این بهانه بوده که کومهله کاندیدایی برای این شهر معرفی نکرده بود، اما مطرح نکردن سرنوشت انتخابات و لغو آن از طرف رژیم جمهوری اسلامی در جنوب کردستان نادیده گرفتن واقعیتی است که عملاً بیانگر توازن قوای حزب دمکرات و کومهله در آن مقطع تاریخی است. جمهوری اسلامی نمی‌توانست نتیجه چنین انتخاباتی که در آن به طور قطع نمایندگان یک جریان رادیکال و کمونیست از طرف توده‌های وسیعی از مردم جنوب کردستان انتخاب می‌شدند را تحمل کند.

اگر انتخابات در مناطق سنندج و مریوان و کامیاران انجام می‌شد، نتیجه آماری که امروز نویسنده آنرا به‌عنوان نمونه‌ای از توازن قوای بین کومهله و دمکرات عنوان می‌کند، به‌طور قطع متفاوت بود. اما لغو رسمی انتخابات تغییری در واقعیت مسئله نمی‌دهد و تاریخ واقعی تصویری مغایر با آنچه که نویسنده نشان داده است را، از توازن نیروها در آن مقطع نشان می‌دهد.

۲- نویسنده "دمکرات" در پاراگراف دیگری به تشکیل حزب کمونیست ایران و پیوستن کومهله به این حزب اشاره کرده و سپس ضمن اشاره به انشعاب جریان «کمونیسم کارگری» از حزب کمونیست ایران خاطرنشان می‌کند که: «کومهله در کردستان ایران همواره به نام کومهله شناخته شده و مردم کردستان این جریان را شاخه‌ای از حزب کمونیست ایوان یا کمونیست کارگری به حساب نمی‌آوردند».

پیداست، دیگر نمی‌توان این اظهارنظر نویسنده "دمکرات" را حمل بر اختصارگویی و خلاصه نویسی کرد و واضح است که نویسنده به جای تاریخ نویسی تبلیغ برای جریان خاصی را مد نظر دارد.

کومهله از سال ۱۳۶۲ و بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران، نه به نام "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" بلکه با نام "سازمان کردستان حزب کمونیست ایران" فعالیت کرده است و نام کومهله نیز در کنار آن به خاطر محبوبیتی که این جریان در میان مردم کردستان کسب کرده بود حفظ شده است.

اگر کارگران و توده‌های مردم زحمتکش و ستمدیده در کردستان، پیوند سیاسی، تشکیلاتی و انتخاب طبقاتی خود را با هواداری از "کومهله" بیان می‌کنند، قطعاً به این معنی نیست که آنان کومهله را به‌عنوان بخشی از حزب کمونیست ایران نمی‌شناسند، یا از سیاست و جهت‌گیری‌های کومهله، مطالبات و برنامه کومهله و در یک کلام آرمان کومهله که سوسیالیسم و کمونیسم است بی‌خبر باشند. نویسنده "دمکرات"ها قیاس به نفس کرده و ذهنیت خود را جانشین ذهنیت توده‌ها نموده و می‌پندارد که کارگران و زحمتکشان کردستان عاشق چشم و ابرو و القاب رهبران یا قد و قامت پیشمرگان جسور کومهله هستند و کاری به سیاست و جهت‌گیری و برنامه و آرمان ندارند.

خیر برادر عزیز، تجربه ۱۷ سال پراتیک کمونیستی کومهله، زیر پرچم "سازمان کردستان حزب کمونیست ایران" از طرفی و تجربه توده‌های مردم کردستان برای رفع ستم ملی در هر چهارپارچه کردستان از طرف دیگر، به کارگران و توده‌های مردم کردستان ثابت نموده است که سرنوشتشان به سرنوشت سایر کارگران و مردم محروم ایران گره خورده است و حساسیتی را که نویسنده "دمکرات" در مورد کلمات کمونیست و ایران دارد، آنان ندارند. کارگران کردستان برخلاف پیروان "بحث کوتاه" (کورتیه باس) حزب دمکرات کردستان ایران، موجودیت اجتماعی و سیاسی خود را دریافته‌اند و مهر مبارزات خود را بر تحولات اجتماعی و سیاسی این جامعه کوبیده‌اند و این واقعیت را به همه ناباورانی که امروز خود را ناچار می‌بینند هر سال به‌مناسبت فرارسیدن اول ماه مه با بی میلی برایش پیام بفرستند، قبولانده

است. زحمتکشان کردستان می‌دانند که کومهله یک تشکیلات کمونیستی است و امروز به همین اعتبار از آن پشتیبانی می‌کنند. تفاوت‌های این جریان را با سایر احزاب کردستانی و ایرانی می‌شناسند و انتخاب آنها انتخابی از سر آگاهی به منافع طبقاتی و اعتماد سیاسی نسبت به جریانی است که آرزوهای آنها را نمایندگی می‌کنند و برای تامین حقوق اولیه و پایمال شده مردم زحمتکش صادقانه و سراسر مبارزه می‌کند.

۳- نویسنده "دمکرات" در پاراگراف آخر نوشته اش به انشعاب عبدالله مهتدی و جمعی از اعضای حزب در مرداد ماه سال ۱۳۷۹ اشاره کرده و نوشته است که آنها قصد دارند کومهله قبل از سال ۱۳۶۲ را بازسازی نمایند. نویسنده ظاهراً تلاش کرده، بی‌طرفی خود در مسایل تشکیلاتی کومهله نشان دهد. اما این «تعهد» ظاهری خود را با ظرافت تمام و به شیوه یک «دیپلمات کارکننده»، شکسته است. تعریف و تمجید از خدمات رادیو صدای انقلاب و نشریه پیشرو هم نمی‌تواند انتخاب دقیق نقل قولها و مراجعات تاریخی وی را که آگاهانه صورت گرفته‌اند، جبران کند. تلاش نویسنده برای وانمود کردن بی‌طرفی ناموفق است. اما بعنوان حسن ختام این نوشته یادآوری این نکته به نویسنده این تاریخچه خالی از فایده نیست که اگر وی تصور می‌کند با این موضع‌گیری دارد به حزب دمکرات کردستان ایران خدمت می‌کند، به خطا رفته است. دلیل آنهم بسیار ساده است. کومهله یک سازمان کمونیستی است و به همین اعتبار هم در جامعه کردستان وجودش ضروری شده است. یک سازمان ناسیونالیست دیگر کرد، بخصوص اگر قدری هم رنگ و لعاب ظاهراً رادیکال به خودش زده باشد از سهم حزب دمکرات در جامعه کردستان تغذیه خواهد کرد نه از ظرفیتهای اجتماعی کمونیسم در این جامعه.



"میت" و دیگر ارگانهای سرکوبگر، بخشی از این سیستم سرکوب و ترور را تشکیل میدهد.

ما ضمن حمایت از مبارزه شجاعانه زندانیان سیاسی زندانهای ترکیه، اقدام ضد انسانی رژیم ترکیه را محکوم و از همه انسانهای آزادیخواه درخواست می کنیم، که صدا و فریاد زندانیان سیاسی ترکیه را به گوش همگان رسانده و از همه سازمانهای دفاع از حقوق بشر خواسته شود که رژیم ترکیه را جهت تحقق خواستهای زندانیان اعتصابی تحت فشار بگذارند.

دفتر نمایندگی کومه‌له در خارج کشور بتاريخ ۲۹ دسامبر، اطلاعیه ای درباره محاکمه فرمایشی متهمین قتل‌های زنجیره‌ای تحت عنوان «**این زنجیره کشتار ۲۱ سال عمر دارد**» انتشار داد که در آن آمده‌است:

«وقتی که خلخالی روز ۳۰ مرداد سال ۵۸ مرکز کار خود را در سنندج قرار داد و بعد از اعدامهای پاره و کرمانشاه، در روز ۶ شهریور حکم تیرباران ۱۱ نفر دیگر از بهترین انقلابیون کردستان را صادر کرد، اولین حلقه های این زنجیر بافته شد. سلسله اعدامهای بیرحمانه و بدون محاکمه خلخالی در شهرهای کرمانشاه، پاره، سنندج، مریوان، سقز، بانه و مهاباد که با تأیید شخص خمینی صورت گرفت، نشان داد که جمهوری اسلامی شمشیر را از رو بسته است. اعدامها و سرکوب وحشیانه مردم حق طلب کردستان که همزمان بود با شکار و اعدام فعالین کارگری و کمونیست در بقیه نقاط ایران، سرآغازی بود برای خرداد ۶۱، قتل‌عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷، ترورهای پنهانی سالهای طولانی وزرات اطلاعات و قتل‌های معروف به "قتلهای زنجیره ای" نیز حلقه دیگری بود از این زنجیره جنایت.

ما در حین برگزاری نمایش فرمایشی "محاکمه" متهمین این قتلها، یکبار دیگر آمرین و عاملین این جنایت هولناک را که هیچکس جزء سران رژیم نیستند محکوم می کنیم. در ضمن براین باوریم که دادگاههای این رژیم صلاحیت رسیدگی به پرونده قتلها را ندارند. نه تنها این، بلکه تردید نداریم که تا این رژیم بر سرکار باشد، حلقه های دیگری به این زنجیر بافته خواهد شد. هیچ فرد آزاده‌ای نمی تواند مطمئن باشد که فردا نوبت او نخواهد بود، هرکسی می تواند قربانی این ماشین کشتار باشد»

اطلاعیه‌ها:



دبیرخانه حزب کمونیست ایران طی اطلاعیه‌ای بتاريخ ۲۰ دسامبر **حمله نیروهای رژیم ترکیه**

به زندانیان سیاسی را محکوم کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«اعتصاب غذای ۱۲۰۰ تن از زندانیان سیاسی ترکیه در اعتراض به سخت‌تر کردن شرایط زندانها و جدا سازی و ایزوله کردن زندانیان سیاسی، امروز وارد شصت و دومین روز خود شده است، طبق گزارش‌های رسیده وضع جسمی زندانیان بسیار وخیم و تعدادی از آنها دچار خونریزی معده شده و تعدادی حس بینایی و شنوایی خود را از دست داده‌اند. دولت ترکیه نه تنها اقدامی در جهت خواست زندانیان بعمل نیاورده است، بلکه طبق اخبار رسیده دیروز پلیس ترکیه به زندانیان اعتصابی حمله‌ور شده و تعدادی از آنها زخمی و کشته است و بخشی از زندانیان را به هدف شکستن اجباری اعتصاب غذا به بیمارستان روانه کرده است.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ترکیه، یکبار دیگر پرده از چهره سرکوبگر رژیم حاکم بر ترکیه برداشته و اذهان عمومی را به تحسین و حمایت از مبارزه آزادیخواهان در ترکیه رهنمون شده است.

در شرایطی که تورم افسار گسیخته، گرانی و بیکاری، توده‌های محروم و زحمتکش در این کشور را به ستوه آورده است، سران رژیم ترکیه میلیاردها دلار را صرف هزینه ماشین جنگی خود در کردستان، صرف آموزش و تقویت سیستمهای جاسوسی و امنیتی و نیز صرف ساختن زندانهای جدید با سلولهای انفرادی می‌کنند تا بتوانند حکومت ترور و ارباب خود را سرپا نگه دارند. واقعیت اینست که رژیم حاکم بر ترکیه همچون دیگر همکاران خود در منطقه، نه رژیم دمکراسی و رفاه، که بصرانه انتظار ورود به اتحادیه اروپا را دارد، که رژیم سرکوب و ترور است. حمله به رفاه و سطح معیشت توده‌های مردم، ضدیت و توحش افسار گسیخته علیه حقوق ملی اقلیتها، بکار گیری آپارتاید جنسی علیه زنان با توسل به عقب‌مانده ترین آئین و سنن فرهنگی و مذهبی، تحمیل سخت ترین شرایط کار به کارگران با پائین‌ترین سطح دستمزد، تعقیب، دستگیری و شکنجه فعالین کارگری و آزاداندیشان با توسل به سازمان مافیایی

در آدرس تماس و ساعات کار
دفتر نمایندگی کومه‌له
در خارج کشور
تغییراتی بوجود آمده که .
در زیر ملاحظه می کنید

اگر مایلید جهان امروز را
از طریق پست الکترونیکی
دریافت دارید،
آدرس خود را برای ما ارسال دارید.
ha@cpiran.org



با ارسال
خبر و گزارش،
طرح و عکس،
نظر و پیشنهادات
به انتشار پربارتر
جهان امروز
کمک کنید.

کومه‌له در کردستان

دفتر نمایندگی کومه‌له
در سلیمانیه

Tel . 24760 - 25815

کمیته مرکزی کومه‌له
Tel. 00870-7623-82839

komalah@hotmail.com

صدای

حزب کمونیست ایران
هر شب: ۲۰/۱۵ - ۲۱/۱۵

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

ظهورها: ۱۳ - ۱۴
عصرها: ۱۸ - ۱۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۵ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه‌له در خارج کشور

Communist party of Iran:
دبیرخانه حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I.
Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: cpi@cpiran.org

International Bureau - CPI

دفتر روابط بین‌المللی
Box 1348

London WCIN 3XX

England

Tel: (44) 0385 94 08 16

Fax: (44) 0181 931 83 52

E-mail: ib@cpiran.org

Representation of Komala abroad:

دفتر نمایندگی کومه‌له
در خارج کشور

K.K.

P.O.Box 75026

Box 750 26 Uppsala- Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

E-mail: komala@cpiran.org

شماره تلفن و فاکس:

۰۰۴۶ - ۱۸ - ۴۶ ۸۴ ۹۳

ساعت‌های تماس:

برای طرح سوال و

دریافت جواب پیرامون تأییدیه‌ها

روزهای دوشنبه و جمعه

از ساعت ۷ تا ۹ شب به وقت اروپا

۰۰۴۶ - ۷۰۷۴۷۶۵۴۲

در بقیه موارد

روزهای سه شنبه و پنجشنبه

از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا

۰۰۴۶ - ۱۸ - ۴۶ ۸۴ ۹۳

فاکس نمایندگی کومه‌له طی ۲۴ ساعت آماده

دریافت پیامهای شماست.

پناه گرفتن حق مسلم هر پناهجوست !

بخش زیادی از ۲۰ میلیون پناهجویی که امروز گستره جهان را در بر گرفته‌اند، از کشورهای خاورمیانه می‌آیند و در میان آنها کردها و ایرانیان بخش قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. کردها و ایرانیان در صفوی طولانی و بی‌پایان که از ترکیه و پاکستان شروع و به دهکده‌های یخ‌زده قطب شمال خاتمه می‌یابد در طردی جانکاه و مرگبارند.

این مردم دردمند و محق در چند سال اخیر، لحظه‌ها، روزها و ماههای بسیار دشوار و غم‌انگیزی را بچشم دیده و از سرمیگذرانند. آنها نه تنها مورد حمله نیروهای مرزی کشورهای ترکیه، یونان، ایتالیا، آلمان و... قرار می‌گیرند و از اعمال خشونت پلیس و دوائر مهاجرت این کشورها و دیگر کشورهای مدعی "حقوق بشر" بی‌بهره نیستند، این روزها مورد بی‌مهری سازمان خانم "ساگاتو اوگاتا" (کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل) نیز قرار گرفته‌اند.

علیه این شرایط غیر انسانی، صدای اعتراض پناهجویان از چهارگوشه جهان بلند است. ترکیه، پاکستان، سوئد، آلمان، استرالیا، سوئیس و به صحنه اعتراضات و مبارزات پناهجویان علیه پایمال شدن حقوق انسانی‌شان تبدیل شده است.

دفتر نمایندگی کومهله در خارج از کشور سالهاست با صدور هزاران تائیدیه برای پناهجویان و حمایت از اعتراضات آنها کوشیده است تا منشاء اثری در تغییر زندگی دشوار پناهجویان باشد.

در این شرایط سخت و دشوار ما همچنان خود را در کنار پناهجویان می‌بینیم و حمایت خود را از حرکت‌های اعتراضی که در کشورهای ترکیه، سوئد، آلمان و دیگر کشورها که بیشتر بشکل تحصن در شهرها، هایم‌ها و کمپ‌های پناهندگی در جریان است و خواسته‌هایی چون ناامن اعلام کردن ایران، رسیدگی به پرونده متقاضیان از جمله خواسته‌های آن میباشد، اعلام می‌کنیم. ما از نمایندگان کشوری کومهله در خارج از کشور می‌خواهیم که در مبارزات و اعتراضات پناهجویان در کشور محل زیست خود حمایت نموده و در بسیج افکار عمومی و دعوت نیروهای مترقی و انساندوست در دفاع و پیوستن به این اعتراضات بکوشند.

دفتر نمایندگی کومهله در خارج از کشور ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰



بازهم مرگ دلخراش پناهجویان!

صبح روز چهارشنبه ۲۳ آذر - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۰ یک گروه از پناهجویان ایرانی و افغانی در دو قایق حامل ۷۰ و ۷۸ نفر که آندونزی را به قصد استرالیا ترک کرده بودند،

دچار توفان‌های شدید شد و بجز ۴ نفر که توسط یک کشتی باربری ژاپنی نجات پیدا کردند، بقیه در آبهای استرالیا غرق شده و به سرنوشت مشابه یک گروه ۳۵۰ نفره از پناهجویان در چند ماه پیش گرفتار آمدند.

هنوز خبر دردناک فوق از اذهان زودده نشده که بار دیگر در روز سه شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۷۹ یک کشتی باری حامل ۷۳ پناهجو از کشورهای افغانستان، مراکش، هند، بنگلادش، پاکستان و ایران در دریای مدیترانه در حالیکه از ترکیه عازم یونان بود در اثر برخورد به صخره‌های دریایی در نزدیک شهر بندری آنتالیای ترکیه دچار سانحه شد و کشتی دو نیم شده و دماغه آن به قعر دریا فرو رفت. به گفته پلیس تا کنون ۱۰ مهاجر کشته و ۴۳ نفر دیگر مفقود الاثر هستند.

این چندمین حادثه دلخراشی است که در چند ماه اخیر موجب مرگ پناهجویان می‌شود. پناهجویانی که برای گریز از شرایطی که رژیم‌های منطقه برایشان فراهم کرده‌اند، جان و مال خود را به خطر می‌اندازند. بی‌مسئولیتی دفاتر کمیساری پناهندگی سازمان ملل به سرنوشت پناهجویان، عامل موثر دیگری در وادار کردن پناهجویان به اتخاذ طرقی است که از آنها در این ابعاد بی‌سابقه و دردناک قربانی می‌گیرد.

گرامی باد ۲۶ بهمن سالروز اعلام موجودیت کومهله!

مردم آزادیخواه!

همرزمان!

دوستداران کومهله!

۲۶ بهمن روز کومهله.

روز گرامیداشت یاد و

خاطره هزاران جانباخته

راه سوسیالیسم و رفع ستم

ملی از مردم کردستان،

فرا می‌رسد.

مراسم روز کومهله همانند

سالهای گذشته با شکوه

هرچه تمامتر در خارج از

کشور، در کشورهای

سوئد، آلمان، کانادا،

استرالیا و نروژ برگزار

می‌شود.

سوئد : استکهلم ،

یتیبوری.

آلمان : فرانکفورت

کانادا : تورنتو

استرالیا : سیدنی

نروژ : اسلو

در مراسم روز کومهله

امسال علاوه بر سخنرانی

پیرامون اوضاع سیاسی

ایران و کردستان،

هشتمندان مردمی و

سرشناس هنرنامه‌ای

خواهند کرد.

همه شما مردم آزادیخواه

و دوستداران کومهله در

خارج از کشور را به شرکت

در مراسم روز کومهله

دعوت می‌کنیم.

کمیته برگزار کننده

مراسم روز کومهله

برای دریافت اطلاعات

بیشتر با دفتر نمایندگی

کومهله در خارج از کشور

تماس بگیرید

۰۰۴۶-۶۶۸۴۹۳-۱۸-۰۰۴۶